

Received: 05/Nov/2023

Accepted: 31/Jan/2024

Physical Social Planning

Open
Access

ORIGINAL ARTICLE

Knowing the Principles of Place Perception in Historical Monuments with a Phenomenological Approach (Case Study: Sahibqranieh Palace and Ferdous Garden, Tehran)

Mohammad Marzban Rad¹, Mohammad Hassan Talebian², Eskander Mokhtari Taleghani³

1. Ph.D. student Department of Architecture, Faculty of Architecture, Emirates Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Correspondence
Mohammad Hassan Talebian
Email: mh.talebian@ut.ac.ir

How to cite

Marzban Rad, M.; Talebian, M.H.; Mokhtari Taleghani, E. (2023) Knowing the Principles of Place Perception in Historical Monuments with a Phenomenological Approach (Case Study: Sahibqranieh Palace and Ferdous Garden, Tehran), Physical Social Planning, 8 (4), 32, 57-72.

ABSTRACT

Locality is a feature that shows dependence on a place. The principles of attitude towards the place and location of any building are related to four characteristics, including figure and image, order, identity and memory, which originate from mental-internal and physical-external impressions. Emphasizing the phenomenological approach, the current research seeks to reread the principles of location in historical buildings and find the relationship between physical and perceptual factors with the attitude of place in buildings, which was carried out using a mixed (qualitative-quantitative) research method. The statistical population of the research includes 1- historical monuments and 2- experts, thinkers and specialists. The statistical sample of the first group includes two historical buildings in Tehran (Sahibqranieh Palace) and (Ferdous Garden) and the second group includes 20 experts, thinkers and experts who are experienced and knowledgeable about the subject of the research. Analysis of documentary data and field observations has been done using SPSS software. The physical indicators obtained from the theoretical findings include "materials", "form and proportions", "color", "lighting" and "natural elements", which were prioritized based on a survey among the statistical community through AHP test and using Expert Choice software. The results of the measurement of the indicators studied in the two historical monuments of Sahibqranieh Palace and Ferdous Garden show that there is no significant relationship between any of these indicators, and among the physical indicators, the index of "natural elements (plants and water)" has the highest percentage of influence on the perception of the building. The results of this research show that the principle of identity through physical indicators in buildings such as form and proportions, lighting along with the principle of figure and image through physical indicators (materials, color and proportions) have caused audience perceptions of these buildings. Therefore, by restoring these two important principles, the placement of buildings can be improved.

KEY WORDS

Locality, Attitude of place, Phenomenology, Sahibqranieh Palace, Ferdous Garden.

نشریه علمی

برنامه‌ریزی توسعه کالبدی

«مقاله پژوهشی»

شناخت اصول نگرش مکان در بناهای تاریخی با رویکرد پدیدارشناسانه (مورد مطالعه: کاخ صاحبقرانیه و باغ فردوس تهران)

محمد مرزبان راد^۱، محمدحسن طالبیان^۲، اسکندر مختاری طالقانی^۳

چکیده

مکانمندی خصوصیتی است که وابسته بودن به مکان را نشان می‌دهد. اصول نگرش به مکان و مکانمندی هر بنایی وابسته به چهار خصوصیت پیکره و سیما، نظم، هویت و خاطره است که از برداشت‌های ذهنی- درونی و فیزیکی- بیرونی نشأت می‌گیرد. پژوهش حاضر با تأکید بر رویکرد پدیدارشناسانه، به دنبال بازخوانی اصول مکانمندی در بناهای تاریخی و یافتن ارتباط میان عوامل کالبدی و ادراکی با نگرش مکان در بناهای توسعه استفاده از روش تحقیق ترکیبی (کیفی-کمی)، انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را دو گروه بناهای تاریخی و صاحب‌نظران، اندیشمندان و متخصصان تشکیل داده است که در این تحقیق نمونه آماری گروه اول شامل دو بنای تاریخی در شهر تهران (کاخ صاحبقرانیه) و (باغ فردوس) و گروه دوم، شامل ۲۰ نفر از صاحب‌نظران، اندیشمندان و کارشناسان مجروب و مطلع پیرامون موضوع تحقیق است. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی، با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام پذیرفته است. شاخص‌های کالبدی به دست آمده از یافته‌های نظری شامل «مصالح»، «فرم و تناسبات»، «رنگ»، «نورپردازی» و «عنانصر طبیعی» است که بر اساس نظرستجوی میان جامعه آماری از طریق آزمون AHP و با استفاده از نرم‌افزار Expert Choice اولویت‌بندی شده است. یافته‌های حاصل از سنجش شاخص‌های موردمطالعه در دو بنای تاریخ کاخ صاحبقرانیه و باغ فردوس نشان می‌دهد که میان هیچ کدام از این شاخص‌ها رابطه‌ای معناداری وجود ندارد و از میان شاخص‌های کالبدی شاخص «عنانصر طبیعی (گیاه و آب)» بالاترین درصد تأثیر را در ادراک بنا دارند. نتایج این تحقیق بیانگر این موضوع است که اصل هویتمندی از طریق شاخص‌های کالبدی در بناها همچون فرم و تناسبات، نورپردازی همراه با اصل پیکره و سیما به‌واسطه شاخص‌های کالبدی (مصالح، رنگ و تناسبات) که موجب برانگیختن ادراکات مخاطبان از این بناها شده‌اند. لذا با بازیابی این دو اصل مهم می‌توان مکانمندی بناها را بهبود بخشید.

واژه‌های کلیدی

مکانمندی، نگرش مکان، پدیدارشناسی، کاخ صاحبقرانیه، باغ فردوس.

نویسنده مسئول: محمدحسن طالبیان
رایانامه: mh.talebian@ut.ac.ir

استناد به این مقاله:

مرزبان راد، محمد؛ محمدحسن، طالبیان؛ مختاری طالقانی، اسکندر (۱۴۰۲). شناخت اصول نگرش مکان در بناهای تاریخی با رویکرد پدیدارشناسانه (مورد مطالعه: کاخ صاحبقرانیه و باغ فردوس تهران)، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۸ (۴)، ۵۷-۷۲.

مقدمه

امروزه با توجه به شرایط اخیر غالب و مسلط بر زندگی و حیات شهری، عدم توجه به فرهنگ و خلاً معنا و زوال پیوند های احساسی با مکان در بیشتر بناها مشهود است. دگرگونی و تحولات مداوم و مستمر، زمینه‌های سرعت و شتاب افزون تر در روند گستالت و انحطاط مکان و زوال عوامل پیوند دهنده مخاطب با مکان را فراهم کرده است (ابی زاده، ۱۴۰۱). در شرایطی که نحوه ارتباط مخاطبان با مکان منعکس کننده ارزش‌ها و معانی آن است و سیستم ارزشی نظام اجتماعی از طریق فرهنگ، نمود و بازتاب می‌یابد (عزیز مقدم و هاشمی طفراجلردی، ۱۴۰۱)؛ شناخت روابط، رویکردهای جامعه‌تر و حساس‌تر مدیریت آثار تاریخی- فرهنگی بیش از پیش ضرورت می‌یابد (Newell & Canessa 2018).

بناهای تاریخی ایران، یکی از بارزترین مشخصه‌های معماری، هویت و فرهنگ ایران در طول تاریخ بوده و در دوران معاصر، تداوم و پیوستگی خود را با ساختمان‌های اطراف و هم‌جوار ازدست داده‌اند. لذا پرداختن به راهکارها و رویکردهایی در جهت بهبود کالبد بناهای معاصر از طریق احصاء اصول و مبانی پدیدارشناسی مکان بناهای تاریخی و بازتولید آن در کالبد بناهای معاصر هم‌جوار بناهای تاریخی، ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، نگرش مکان، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه معماری است. به‌طوری که در چند دهه اخیر مطالعات مکان محور، نقش مهمی در ارتقای دانش ارتباطات انسان و محیط داشته‌اند و مفاهیم مرتبط با آن به‌طور فزاینده‌ای در طراحی، برنامه‌ریزی شهری و همچنین روانشناسی محیطی مورداستفاده قرار گرفته است (حبیب زاده کوزه کنانی و همکاران، ۱۴۰۱).

این بناهای که شناسنامه فرهنگی جامعه به شمار می‌آیند، دارای ویژگی‌هایی متمایز و منحصر به فرد هستند؛ که این ویژگی‌ها می‌توانند در مکان‌نمدی و هویت بخشی به آن‌ها نقش اساسی داشته باشند. ضمن اینکه ارزش‌های گوناگونی در هر اثر تاریخی- فرهنگی وجود دارد که دادوستدی پویا با یکدیگر داشته و بسته به جایگاه، یک ارزش نمود بر جسته‌تری می‌یابند. کاوش در سیر شناخت ارزش‌ها در آثار تاریخی نشان می‌دهد این ارزش‌ها از عینی به ذهنی و از ملموس به ناملموس در حرکت‌اند (سمانیان، حجت و محتشم، ۱۳۹۶). مهم‌ترین ارزش‌های تاریخی در یک بنا متشکل از «صالات» بنا، «قدمت»، «منحصر به فرد بودن»، «رویداد مردم شناختی» و «زیبایی‌شناسی» است برای جنبه مکانیت بنا به صورت «پیکره و سیما»، «نظم فضایی و ادراکی»، «رخداد ذهنی» و «خاطره»

از آنجاکه تجربه مکان، از نحوه ارتباط بین شخص و محیط نشأت می‌گیرد، پس شناخت مکان در لحظه حضور در آن امکان‌پذیر است چراکه ساختار کالبدی با ویژگی‌هایش، تجارب ما از مکان، خاطرات و احساسات وابسته به مکان را زنده می‌نماید (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۸). زمان یا طول مدت آشنازی با یک مکان، نقش اساسی در معنا یافتن یک مکان در ذهن افراد بازی می‌کند به‌طوری که با افزایش مدت زمان آشنازی، افراد از سطح شناخت و ارتباط فیزیکی با مکان به سطح دل‌بستگی و علاقه‌مندی به مکان می‌رسند و با افزایش مدت زمان، مکان برای نامبرگان واجد کارکردهای اجتماعی می‌شود که در این حالت، مکان بخشی از هویت فرد به شمار می‌رود؛ بنابراین سطوح مختلف معانی در جریان تعامل فرد با مکان است. هرچه مدت زمان تعامل انسان با مکان بیشتر شود، فرد سطوح عمیق‌تری از معنا را نسبت به آن مکان ادراک می‌کند. تا زمانی که معنای مکان در ساختار فیزیکی ذهنی و فعالیت‌هایی که در آن رخ می‌دهد جستجو شود، چیزی یافت نمی‌شود، بلکه باید معنا را در تصاویر ذهنی و تجارب انسان از مکان جستجو کرد. درواقع مکان نقش حیاتی در توسعه و حفظ هویت فردی و گروهی مردم دارد (پیوسته گر و اکبری، ۱۴۰۰).

مکان‌نمدی، یکی از عوامل تبیین کننده پیوستگی بنا و محیط، کیفیتی است که از طریق مؤلفه‌های کالبدی، فضایی و ادراکات حسی و نمادین شکل می‌گیرد. از این‌رو می‌توان اذعان کرد که شناخت مکان در لحظه حضور در آن شکل می‌گیرد و ساختار کالبدی هر مکانی موجب شناخت آن می‌شود؛ زیرا اساس نظریه نگرش به مکان و مکان‌نمدی با درک ویژگی‌های انسانی، کالبدی و فرهنگی اجتماعی حاصل می‌شود (مشهدی، ۱۴۰۱). مکان‌ها از جمله عوامل هویت بخشی هستند که با مؤلفه‌های فیزیکی ایستا، پدیدآورنده حس تعلق می‌گردد. درواقع تعلق کالبدی به مکان برگرفته از عناصر و اجزای کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی است (رحیمی و ایزدی زمان‌آبادی، ۱۴۰۱). گستره‌های معنایی هر مکان حاصل رویدادها، خاطره‌ها، افسانه‌ها و روایت‌های ذهنی مشترک و ممیزه‌های کالبدی ایستا، برآیند فیزیکی احجام، اشیا، مصالح و حتی طبیعت و هر آن چیزی است که بستر کالبدی آن مکان را شکل می‌دهد. در این میان حوزه عملکردی مکان‌ها نیز که به کارکردها و فعالیت در آن‌ها می‌پردازد، در کنار دو حوزه دیگر، بخشی از هویت مبهم مکان را می‌شناسانند (Relph 1976:64).

دیدارکنندگان به وجود می‌آید (تابان، پور جعفر و پورمند، ۱۳۹۵).

۴- خاطره: اصلی‌ترین شرط برای هر بنایی به‌واسطه مکانیت یافتنش، خاطره است. انسان برای شناخت عناصر و اشیاء نیادین باید شناختی از آن‌ها داشته باشد و این ممکن نمی‌شود مگر اینکه خاطره‌ای از آن‌ها وجود داشته باشد (مشهدی، ۱۴۰۱). لازم به ذکر است که در صورتی که هریک از این مؤلفه‌ها در مکان وجود نداشته باشند، وضوح و روشنی مکان برای شهود ناظر از بین خواهد رفت و معنایی از پس مکان به آن متبار نخواهد شد.

با عنایت به آنچه مذکور افتاد، نگرش مکان، به‌واسطه انسان، از دو بخش ذهنی- درونی و فیزیکی- بیرونی تشکیل می‌شود که در این پژوهش دیدگاه مکان به‌واسطه ادراک فیزیکی مخاطب از بنا و ادراکات حسی آن مورد بررسی قرار گرفته است. عمده‌ترین مطالعات انجام شده پیرامون موضوع پژوهش، به صورت موردنی به مؤلفه‌هایی چون: «هویت مکان» و «حس مکان» و «دلستگی به مکان» پرداخته‌اند که خلاصه‌ای از مطالعات انجام شده در دهه اخیر در جدول (۱) ارائه می‌گردد. در رابطه با پدیدارشناسی مکان‌های تاریخی نیز می‌توان به بررسی پدیدارشناسی مکان بازخوانی هویت مکانی بافت‌های تاریخی (پورمند و فلاج، ۱۳۹۲)، بازیابی سازمان فضایی باغ شهر صفوی قزوین، از منظر پدیدارشناسی هرمنوتیک (نوروزبورجانی و جوادی، ۱۳۹۵) و تأملی بر فرآیند معنا پردازی مجموعه تاریخی سعدالسلطنه قزوین و خوانش هویت کنونی آن از منظر پدیدارشناسی (سخاوت دوست و البرزی، ۱۳۹۸) اشاره داشت.

قابل تفکیک است (مشهدی، ۱۴۰۱) که در ادامه شرح مختصراً از هر کدام از این مؤلفه‌ها ارائه می‌شود.

۱- پیکره و سیما (چشم‌انداز): سیمای بنا توسط شهر وندان و مخاطبان هر بنا درک می‌شود. چنانچه سیمای بنایی نامناسب، نامعقول، بی‌ارتباط با محیط، نامطبوع، نامنامن... باشد چگونه می‌توان انتظار داشت که تصویر ذهنی مناسبی را در شهر وندان ایجاد نماید (وحدت، کریمی مشاور و بخشی بالکانلو، ۱۳۹۶).

۲- نظام فضایی و ادراکی: هر مکانی به حکم ماهیت خود در فضا متحقق است و چون چنین بوده و هست به نظام فضایی نیازمند است که خود حاصل نظم ادراکی است. انسفر هر مکانی با یک‌شکل یکپارچه و انسجام فضایی تناظر برقرار می‌کند و تک تک عناصر این مکان به یاری این کلیت متناظر توصیف و شناخته می‌شوند (Schultz 2000). البته تمامی پدیده‌های طبیعی و همچنین امرهای واقع اجتماعی مجموعه‌ای پویا از عناصری هستند که در این مجموعه‌های در حرکت همساز می‌شوند و به یک «هویت» می‌رسند. بدین‌سان عناصر ترکیب‌پذیر، با حفظ هویت ویژه خود، در ترکیب با یکدیگر نیز یک کل واحد ملموس را شکل می‌دهند (نگین تاجی، انصاری و پورمند، ۱۳۹۶).

۳- رخداد ذهنی: رسیدن به مکان که پس از رویارویی رخ می‌دهد و شناخت مکان که پس از کشف نظام فضایی آن رخ می‌دهد، به ماندن و تعمق و فهم رویداد مکان می‌انجامد. همچنین، رویداد از فهم بیننده حاصل می‌شود و مکان دیدار می‌تواند به سادگی محلی برای ژرفاندیشی و تأمل برای فهم رویداد مکان باشد که در این حالت دوری و فاصله‌ای میان

جدول ۱. پیشینه مطالعات دهه اخیر پیرامون موضوع مکان در بنای تاریخی

نویسنده‌گان و سال	عنوان پژوهش	نتایج و یافته‌ها
مشهدی، ۱۴۰۱	تبیین اصول نگرش به مکان در آثار تاریخی باستانی شهر دامغان (مطالعه پژوهی مسجد تاریخانه دامغان)	نتایج نشان می‌دهد که اصول نگرش به مکان از طریق عناصر کالبدی در مسجد تاریخانه دامغان رخداده است و مکان‌مندی این مسجد بر نمود مفهوم نگرش مکان افزوده است. مسجد تاریخانه دامغان بنایی استعاری با عناصر ستی از جمله پوشش طاق آهنگ و طاق ضربی و مصالح بوم آورد خشتی است و بدین طریق موجب برانگیختن خاطرات گذشته، احساس هویت مکانی و تجربه عمیق در مخاطب می‌شود.
ابی زاده، ۱۴۰۱	ارزیابی سطوح حس مکان در بنای تاریخی و تأثیر آن در ماندگاری آثار تاریخی - فرهنگی	نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین شاخص‌های حس مکان، شاخص فدکاری برای مکان دارای بیشترین میزان است و در مرتبه بعد شاخص حضور پذیری مکانی، اهمیت بالاتری دارد که به منظور حفظ و تداوم آن‌ها در بنای تاریخی در راستای ماندگاری آثار تاریخی - فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرد.
سلیمی، شریف‌زاده و بنی اردلان، ۱۳۹۹	پدیدارشناسی مکان‌های مقدس با تکیه‌بر معماری ایرانی اسلامی	مهم‌ترین جنبه حسی این مسجد سیر از ظاهر به باطن و اتحاد ملٹی عناصر کالبدی با نور و معانی است که موجب شکل‌گیری ارتباط عمیق درونی و

دیالکتیکی بین مسجد و ناظر شده است.

(مسجد شیخ لطف‌ا.)

در مواجهه فرد با مکان و در پرسه برقراری ارتباط بین عینیت و ذهنیت، (صورت و محتوای مکان)، به مدد رویکرد نشانه شناسانه خوانشی عمیق‌تر از برداشت و تعامل‌ی با محیط صورت می‌گیرد که این امر ناشی از ارتباط مکان با احساسات، تعلقات، تجارب و ذهنیت‌ی است.

بازتاب نقش نشانه‌شناسی در فرآیند سخاوت دوست و گذر از فضای مکان در مجموعه البرزی، ۱۳۹۸ (تاریخی سعد السلطنه قزوین)

منوط بودن تداوم یک پدیده به حضور هم‌زمان دو کیفیت پویایی و ثبات در آن پدیده. همچنین رابطه دو جزء انسان و فضا در روابط بین اجراء مکان، واجد بیشترین اشاره‌های معنایی و ماندگاری ذهنی است.

ارائه مدل مفهومی معنای مکان و علی‌الحسابی، رضازاده شاخص‌های تداوم آن (تحلیل پدیدارشناسانه تفسیری تجربیات و چربگو، ۱۳۹۶) زیسته افراد

امکان استفاده از هر دو رویکرد پدیدارشناسی مکان در مراحل اولیه فرآیند طراحی برای افزایش میزان موفقیت طرح در آفرینش حس مکان پس از بهره‌برداری

تبیین نسبت رابطه انسان و مکان در فرآیند طراحی معماری با رویکرد پورمند، ۱۳۹۵ پدیدارشناسی

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد مکان تاریخی در درجه اول یک «کل یکپارچه و وجود عینی اندازه مند و آنچه در تغییر مدام است» دانسته می‌شود. ضمن آن که اندازه مندی‌های وجود خاصش (در مراتب سه‌گانه معنا، صورت و ماده) در ذیل نظمات وجودی متجلی در قوانین عالم طبیعی و عالم فرهنگی واقع می‌شود.

هستی‌شناسی مکان تاریخی مظفر، ندیمی و تأمیلی هستی شناسانه در مکان صالحی، ۱۳۹۶ تاریخی در پرتو اصالت وجود

وجود ارتباط معنادار بین معنا و هویت مکان با ساکنان گذشته، به طوری که آسیب‌های انسانی و محیطی و سیاست‌گذاری‌های نادرست تخریب و نوسازی، موجب تغییر چهره بافت و کاهش حس مکان شده است.

بررسی پدیدارشناسی مکان بازخوانی پورمند و فلاخ، ۱۳۹۲ هویت مکانی بافت‌های تاریخی

داده‌ها و روش کار

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت، کیفی و به لحاظ هدف، تفسیری است. از نظر روش انجام مبتنی بر استدلال استقرایی است که با تکیه بر رویکرد فلسفی انجام پذیرفته است. در این پژوهش، پژوهشگر به تفسیر معانی موجود در نشانه‌های کالبدی و معماری می‌پردازد، لذا بهره‌مندی از رویکرد فلسفی بدان جهت دارای اهمیت است که موجب تمامیت ادراک متن می‌شود. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، دو بنای تاریخی در شهر تهران است که نخست: به دلیل قدمت تاریخی دوره طولانی‌تری را به خود اختصاص داده‌اند و دوم: بیشترین گردشگر را به خود فرامی‌خوانند. این دو بنای تاریخی که متعلق به دوره قاجار می‌باشند عبارت‌اند از: کاخ صاحبقرانیه و باغ فردوس.

دستیابی به اطلاعات معماری بنای تاریخی در این شهر چهت شناسایی مؤلفه‌های نگرش مکان در بنای‌های موردمطالعه، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی، بازدید از بنای و عکس‌برداری انجام پذیرفته است. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته‌ای است که باهدف شناسایی اصول مکانیت در بعد کالبدی این دو بنای تاریخی و بر اساس طیف ۵ تایی لیکرت از پاسخ‌های کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم طراحی شده است. روایی

مرور مطالعات و پیشینه تئوری‌های مطرح در خصوص موضوع پدیدارشناسی مکان، نشان می‌دهد که در اکثر پژوهش‌ها بر اهمیت ابعاد ذهنی، تصورات و جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی در ادراک مکان تأکید شده است. لکن، تعداد پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه مکانمندی و اصول نگرش مکان به‌ویژه در بنای‌های تاریخی محدود است. لذا در راستای تشریح و تبیین مکانمندی این نوع بنای، نویسندهان پژوهش حاضر با تأکید بر ادراکات حسی نشأت گرفته از عناصر و مؤلفه‌های کالبدی بنای‌تاریخی به بررسی مکانمندی این بنایا می‌پردازد تا بدین طریق بتوانند رخداد نگرش مکان در بنای‌های تاریخی را بازنمایی کنند.

پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که میان اصول نگرش مکان و ادراکات حسی شهروندان رابطه‌ای دوسویه برقرار است و عناصر کالبدی بکار رفته در دو بنای تاریخی شهر تهران موجب شکل‌گیری این رابطه می‌شود. از این‌رو با انتخاب دو بنای تاریخی «کاخ صاحبقرانیه» و «باغ فردوس» به عنوان بنای‌تاریخی در پی دستیابی به پرسش‌های زیر است: ۱. چگونه نگرش مکان در بنای‌های مذکور بر ادراکات حسی شهروندان تأثیر گذاشته است؟ ۲. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نگرش مکان در این بنای‌کدام‌اند؟

بر اساس عکس‌های هوایی دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ می‌توان باع نیاوران را به سه قسمت جنوبی، شمالی و محدوده پیرامون کاخ که پیوند دهنده دو قسمت شمالی و جنوبی است، تقسیم کرد. قسمت جنوبی ضمن تغییر شکل، به پارکی با ته رنگ طرح باع ججهه جنوبی تبدیل شده است. بخش شمالی بیشترین تغییرات را داشته و احتمالاً به دلیل ارتباط با حرم، اطلاعات کمتری از آن در دست است. بخش میانی باع که محدوده پیرامون عمارت صاحبقرانیه است، تغییرات زیادی کرده و برای درک طرح باع بالهمیت است. عکس‌های تاریخی و مطالعات اخیر نشان می‌دهد که شبی طبیعی زمین در شرق و غرب کاخ بسیار تند بوده است؛ گویی صاحبقرانیه بر قله یک کوه قرار دارد. باع این عمارت در سراسر باع واقع شده که خود عمارت در وسط آن در تپه سنگی بنashde به طوری که جلگه تمامی شهر و نواحی آن در زیر پای آن قصر بیش از یک‌مشت خاک نیست. جدای از دو باع شمالی و جنوبی، صاحبقرانیه بخش وسیعی در مرکز دارد شامل چهار بخش که حول عمارت اصلی سازماندهی شده است (جیحانی و غفاریان، ۱۳۹۸، شکل ۲). تصاویر ماهواره‌ای این کاخ را در سال‌های مختلف نشان می‌دهد.



شکل ۲. عکس هوایی باع صاحبقرانیه به ترتیب از راست به چپ در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۱، ۱۳۴۵، ۱۳۴۸ (سازمان ملی نقشه‌برداری کشور ایران، ۱۹۶۹)

موجودیت کلی بنای کاخ صاحبقرانیه به عنوان معماری کامل و فعال مورد باز زنده سازی قرارگرفته است و امروزه از آن به عنوان جاذبه تاریخی استفاده می‌شود. از این‌رو این بنا دارای

این پرسشنامه که درمجموع دارای ۲۰ سؤال بوده با استفاده از روش اعتبار محتوا و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ سنجیده شد و آلفای کرونباخ برای کل سوالات پرسشنامه، عدد ۰/۸۶ به دست آمد.

جامعه آماری پژوهش را دو گروه بناهای تاریخی و صاحبنظران، اندیشمندان و متخصصان تشکیل داده است که در این تحقیق نمونه آماری گروه اول شامل دو بنای تاریخی در شهر تهران (کاخ صاحبقرانیه) و (باغ فردوس) و گروه دوم، شامل ۲۰ نفر از صاحبنظران، اندیشمندان و کارشناسان مجرب و مطلع پیرامون موضوع تحقیق است. پس از توزیع پرسشنامه‌ها میان جامعه آماری و دریافت نظرات آن‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و به روش AHP انجام پذیرفته تا مؤلفه‌های مکانیت شناسایی شده در بناهای مورد مطالعه مورد ارزیابی قرار گیرد.

در ادامه به شرح مختصری از بناهای مورد مطالعه تحقیق پرداخته می‌شود:

۱- کاخ صاحبقرانیه: که مجموعه فرهنگی تاریخی نیاوران بخشی از آن محسوب می‌شود، درگذشته از توابع روستای قدیمی نیاوران بوده است. این باع که به دستور فتحعلی شاه در منطقه‌ای خوش آب‌وهوای خارج از تهران ساخته شد مشتمل بر خلوات و صفة‌های باصفا و حوض‌های پر آب بود. در اوخر سده ۱۳ هـ ق. عمارت نیاوران خراب و به جای آن ساختمانی جدید به نام صاحبقرانیه احداث شد که با وجود ساختن بنای جدید، محوطه و ابعاد باع تغییراتی نداشته و به همان شکل باقی‌مانده است (سازمان میراث فرهنگی استان تهران، ۱۴۰۱). شکل (۱) تصاویری از این کاخ را نشان می‌دهد.



شکل ۱. کاخ صاحبقرانیه تهران

تصورات، مفاهیم و معانی را در برمی‌گیرد و در مواجهه به اثر تاریخی قابل برداشت هستند؛ در جدول (۲) ارائه شده‌اند.

ارزش‌ها و معانی‌ای است که به سبب آن‌ها مخاطب می‌تواند درک بهتری از بنا داشته باشد. این ارزش‌ها که مجموعه‌ای از

جدول ۲. ارزش‌های تاریخی کاخ صاحبقرانیه تهران

ازآنجایی که اصالت به معنای دستاول بودن یا دست‌نخورده بودن اثر است، در کاخ صاحبقرانیه، اصالت برگرفته از ماهیت این بنا است که در کالبد بنا و محوطه پیرامونی بالاخص از طریق مصالح و عناصر طبیعی و گیاهان نمود پیداکرده است و معرف دوره قاجاریه است، ضمن آنکه اصالت این بنا در ارزش‌ها تاریخی، کارکردی و هویتی آن نیز نهفته است که از طریق محوطه این کاخ و باغ‌های پیرامونی آن نمود پیداکرده است.

اصالت

کاخ صاحبقرانیه دارای سابقه‌ای بیش از دوره ناصری است با این وجود ناصرالدین‌شاه قاجار آن را توسعه داد. این کاخ امروزه به عنوان سند تاریخی و فرهنگی به دلیل قدمت خود، ثبت جهانی گشته است.

قدمت

اصلی‌ترین ویژگی‌های منحصر به فرد بودن این کاخ بهره‌مندی از باغ‌های متعدد در حیاط این کاخ همراه با نوع چهت‌گیری ساختمان کاخ و توجه به اقلیم منطقه است که از این طریق توانسته خود را با زیست‌بوم و بستر طرح خود هماهنگ سازد. لذا می‌توان اذعان نمود که کاخ صاحبقرانیه بر اساس ویژگی‌های مکانی و زمانی و زیست‌محیطی مربوط به خود شکل‌گرفته و در طول زمان نیز مناسب با همین ویژگی‌ها تغییراتی کرده است؛ لیکن نسبت به دیگر آثار هم‌جوار خود متفاوت و متمایز است.

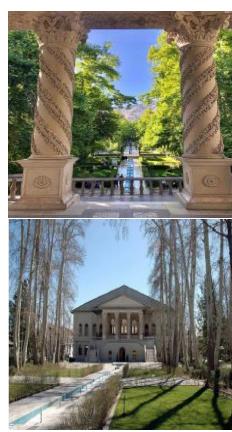
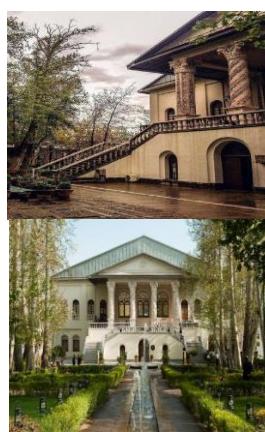
منحصر به فرد بودن

رویداد مردم شناختی در کاخ صاحبقرانیه با توجه به موقعیت مکانی و بهره‌مندی از عناصر طبیعی و همچنین جاذبه گردشگری رویداد مردم بودن، ایجاد شده است که از این طریق همواره مورد بازدید گردشگران و مسافران می‌باشد. رویداد مردم شناختی در این بنا با توجه به نوع کاربری و بازدیدهای مستمر از بنا جریان دارد و به صورت عینی و یا از طریق بازخوانی عناصر کالبدی مختص به دوران قاجار و پهلوی و فضاهای وابسته به آن و همچنین محیط پیرامونش قابل استخراج است.

شناختی

در کاخ صاحبقرانیه، نحوه استقرار بنا که متأثر از محیط اطراف نیز می‌باشد، با ایجاد نمودی متفاوتی از بنا که دارای ارزش‌های باستان‌شناسی و ملی است از دید زیبایی‌شناسی قابل بررسی است. ضمن آنکه عناصر تزئینی این بنا که شامل گچ‌بری‌ها، نقوش گیاهی، مقرنس کاری‌ها، نقاشی و... می‌باشند؛ به این امر کمک شایانی کرده‌اند؛ زیرا جلوه‌های هنری و به‌طور کلی جلوه‌های ادراکی اثر معماری؛ از طریق عناصر شکل‌دهنده کالبدی و تزئینات بنا قابل دستیابی است.

زیبایی‌شناسی



شکل ۳. باغ فردوس تهران

۲- باغ فردوس: که در حال حاضر به پارک و محوطه مشجر کوچکی در حوالی تجریش گفته می‌شود که موزه سینما در آن قرار دارد. با نگاهی به متون و اسنادی که در آن‌ها به این باغ اشاره شده، می‌توان دریافت که آنچه اکنون به آن باغ فردوس اطلاق می‌شود، تنها بخشی از این باغ وسیع و تاریخی است. آن‌گونه که در اسناد تاریخی اشاره شده، به‌طور کلی اراضی میان اسدآباد و ولنجک (از طرف شمال) و الهیه (از طرف جنوب) و دره تجریش (از طرف مشرق) و محمودیه (از طرف مغرب)، جزء اراضی این باغ بوده است (سازمان میراث فرهنگی استان تهران، ۱۴۰۱). شکل (۳) تصاویری از این باغ را نشان می‌دهد.

سبب آن‌ها مخاطب می‌تواند درک بهتری از بنا داشته باشد. این ارزش‌ها که مجموعه‌ای از تصورات، مفاهیم و معانی را در برمی‌گیرد و در مواجهه به اثر تاریخی قابل برداشت هستند؛ در جدول (۳) خلاصه شده‌اند.

موجودیت کلی بنای باغ فردوس به عنوان معماری کامل و فعال قابل بازسازی است و طرح مرمت آن در دستور کار قرار گرفته است و امروزه از آن به عنوان جاذبه تاریخی استفاده می‌شود. از این‌رو این بنا دارای ارزش‌ها و معانی‌ای است که به

جدول ۳. ارزش‌های تاریخی باغ فردوس

<p>از آنجایی که اصالت به معنای دستاول بودن یا دست‌نخورده بودن اثر است، در باغ فردوس، اصالت برگرفته از ماهیت آن در کالبد بنا و همچنین فضای سبز و بهشت گونه بنا نمود پیداکرده و معرف دوره قاجار است. ضمن آنکه اصالت این بنا در نوع معماری بنا، نوع طراحی فضای سبز، کارکرد بنا و هویتی آن نیز نهفته است علاوه بر عوامل کالبدی از طریق نقاشی‌های داخلی قابل مشاهده است.</p>	<p>اصالت</p>
<p>قدمت باغ فردوس مربوط به دوره قاجاریه است که دارای حیاطی به سبک چهارباغ می‌باشد. با گذشت زمان و روی کار آمدن پادشاهان تغییرات کالبدی بسیاری در این بنا انجام‌شده بالاخص در قنات، استخرهای باغ و سردر عالی در جلو میدانگاه.</p>	<p>قدمت</p>
<p>اصلی‌ترین ویژگی‌های منحصر به فرد بودن این باغ بهره‌مندی از عناصر چهارگانه طبیعت (آب و گیاه) است که بر اساس نوع قرارگیری و کاشت و حتی طرح چهارباغ توانسته خود را با زیست‌بوم و بستر طرح خود هماهنگ شوند. لذا می‌توان اذعان نمود که باغ فردوس بر اساس ویژگی‌های زیست‌محیطی و کاربری خود که همواره محل استراحت پادشاهان قاجار بوده، شکل‌گرفته و در طول زمان نیز متناسب با همین ویژگی‌های تغییراتی کرده است؛ لیکن نسبت به دیگر آثار هم‌جوار خود متفاوت و متمایز است.</p>	<p>منحصر به فرد</p>
<p>رویداد مردم شناختی در باغ فردوس با توجه به موقعیت مکانی که درون شهری است و همواره مورد بازدید و اقامت گردشگران و مسافران بوده است؛ نمود پیداکرده است؛ زیرا رویداد مردم شناختی در این بنا با توجه به نوع کاربری و بازدیدهای مستمر از بنا به صورت عینی و با بارخوانی آثار بر جا مانده از آن جریان دارد. ضمن آنکه نوع طراحی بنا و عناصر معماری‌های آن که بیانگر دوران برپایی این باغ هستند، خود نمودی بر رویدادهای مردم شناختی در این بنا است.</p>	<p>رویداد مردم شناختی</p>
<p>در باغ فردوس، نحوه استقرار بنا که متأثر از محیط اطراف نیز می‌باشد، با ایجاد نمودی متفاوتی از بنا که دارای ارزش‌های باستان‌شناختی و ملی است از دید زیبایی‌شناسی قابل بررسی است. ضمن آنکه عناصر تزئینی این بنا که شامل گچ‌بری‌ها، نقوش گیاهی، آینه‌کاری، نقاشی و... می‌باشند؛ به این امر کمک شایانی کرده‌اند؛ زیرا جلوه‌های هنری و به‌طور کلی جلوه‌های ادراکی اثر معماري؛ از طریق عناصر شکل‌دهنده کالبدی و تزئینات بنا قابل دستیابی است.</p>	<p>زیبایی‌شناسی</p>

شرح و تفسیر نتایج

طی مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی که پیرامون بناهای ارائه شده است. موردمطالعه پژوهش حاضر انجام پذیرفت، یافته‌هایی حاصل شد

جدول ۴. مؤلفه‌های کالبدی بناهای موردمطالعه

نام بنا	مؤلفه‌ها	تحلیل	مصداق
کاخ صاحب‌قرانیه	فرم کاخ کاملاً متناسب با زمینه و بستر پیرامون طراحی شده است با بناهای تجاری، مسکونی و فضاهای سبز اطراف خودش ارتباط برقرار می‌کند. انتخاب نوع مصالح (گچ و سنگ) در این بنا به عنوان مصالح اصلی این بنا آن را هماهنگ با بستر و محیط اطرافش کرده است.	فضاهای اطراف خودش ارتباط برقرار مصالح	



تناسبات این بنا که دارای کشیدگی بیشتری در محور طولی نسبت به عرضی است، از شاخصه‌های آن است.

تناسبات



با تغییرات کاربری کاخ صاحب‌رانیه و بازاری‌های متعدد آن، امروزه نورپردازی‌های داخلی و خارجی عمارت تغییر نموده و بهبود یافته است. به گونه‌ای که در شب‌نمایی بسیار زیبا را به نمایش می‌گذارد.

نورپردازی



با توجه به آنکه این کاخ دارای معماری دوره قاجار و تریانات فراوان است، رنگ غالب چه در داخل و چه در خارج بنا رنگ سفید است که به صورت کاملاً هماهنگ با زمینه، کفسازی و محیط اطراف می‌باشد. از این‌رو مزاحمت بصری را ایجاد نمی‌کند و از اغتشاش بصری می‌پرهیزد.

رنگ



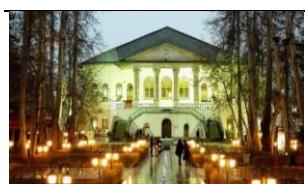
فرم پلان باغ فردوس که کاملاً متناسب با زمینه و بستر پیرامون طراحی شده است با بناهای تجاری، مسکونی و فضاهای سبز اطراف خودش ارتباط برقرار می‌کند. انتخاب نوع مصالح افقی و سنگ در عمارت این بنا به عنوان مصالح اصلی این بنا آن را هماهنگ با بستر و محیط اطرافش کرده است.

مصالح



تناسبات این بنا که دارای کشیدگی بیشتری در محور طولی نسبت به عرضی است، از شاخصه‌های آن است. ضمن آنکه تناسبات عمارت این باغ نیز کاملاً هماهنگ با تناسبات خود باغ است.

تناسبات

باغ
فردوس

با تغییرات کاربری عمارت باغ فردوس به موزه سینما، امروزه نورپردازی‌های داخلی و خارجی عمارت تغییر نموده و بهبود یافته است. به گونه‌ای که در شب‌نمایی بسیار زیبا را به نمایش می‌گذارد.

نورپردازی



رنگ غالب رنگ سفید است که به صورت کاملاً هماهنگ با زمینه، کفسازی و محیط اطراف می‌باشد. از این‌رو مزاحمت بصری را ایجاد نمی‌کند و از اغتشاش بصری می‌پرهیزد.

رنگ

این آزمون بیانگر آن است که در بناهای تاریخی موردمطالعه میزان تأثیر همه عوامل به طور یکسان نبوده و شاخص مصالح و رنگ بالاترین تأثیر را دارا هستند و با توجه به اینکه میزان Sig برابر با $0.000 / 0.05$ است و از 0.05 کمتر می‌باشد، آزمون در سطح 95% معنادار است. جدول (۵) نتایج آزمون فریدمن را نشان می‌دهد.

در بازخوانی اصول نگرش مکان از دیدگاه کالبدی در بناهای تاریخی موردمطالعه، مؤلفه‌های «مصالح»، «رنگ»، «فرم»، «تناسبات»، «نورپردازی» و «عناصر طبیعی» مورد بررسی قرار گرفت که در ادامه تحلیل آن‌ها به تفکیک بناهای ارائه می‌گردد. به منظور دستیابی به تأثیرگذارترین عامل از میان عوامل کالبدی مذکور از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج

جدول ۵. ضریب همبستگی میان شاخص‌های سازنده بعد کالبدی بنا

N=۲۰	acionales	Color	Form	Relationships	Lighting	Natural Elements
Pearson	.388	.388	.488	.412	.451	.488
Hemispherical						
Probability of occurrence	.000	.000	.000	.000	.000	.000

«فرم»، «تناسبات»، «نورپردازی» و «عناصر طبیعی» به ترتیب معادل 0.488 و 0.412 و 0.451 و 0.488 همگی، رابطه مثبت بین شاخص‌ها را بازگو می‌نمایند. در ادامه ضریب همبستگی بین جزء معیارهای عوامل کالبدی بر اساس همبستگی کنдал بررسی شده است که مطابق جدول (۶) ارائه می‌شود.

بر اساس جدول فوق مشخص می‌گردد که میزان همبستگی میان شاخص «مصالح» و «کالبد» برابر با 0.338 می‌باشد و احتمال معناداری آن 0.000 است، ازین‌رو با اطمینان 95% بین مصالح و کالبد رابطه مثبتی برقرار است. در مورد میزان همبستگی میان شاخص «رنگ بنا» و «کالبد» وضعیت بر همین منوال است. میزان همبستگی‌های به‌دست‌آمده برای شاخص‌های

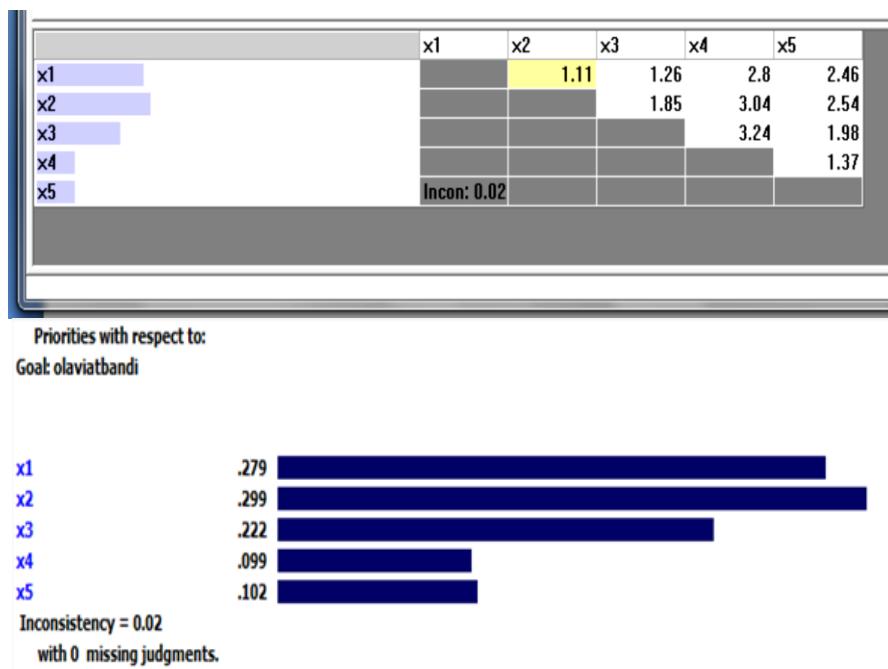
جدول ۶. ضریب همبستگی شاخص‌های سازنده بعد کالبدی

شاخص‌ها	N=۲۰	acionales	Color	Form	Relationships	Lighting	Natural Elements
مصالح	Pearson Hemispherical	.000	.035	.031	.035	-.011	.035
	Probability of occurrence	.	.470	.542	.470	.830	.470
رنگ	Pearson Hemispherical	.035	.000	-.011	.035	.031	-.011
	Probability of occurrence	.470	.	.830	.470	.542	.830
فرم	Pearson Hemispherical	.031	-.011	.000	.035	.031	.035
	Probability of occurrence	.542	.830	.	.470	.542	.470
تناسبات	Pearson Hemispherical	.035	.035	.035	.000	-.011	.031
	Probability of occurrence	.470	.470	.470	.	.830	.542
نورپردازی	Pearson Hemispherical	-.011	.031	.031	-.011	.000	.035
	Probability of occurrence	.830	.542	.542	.830	.	.470
عناصر طبیعی	Pearson Hemispherical	.035	-.011	.035	.031	.035	.000
	Probability of occurrence	.470	.830	.470	.542	.470	.

ندارد. لذا در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت میان هیچ‌کدام از شاخص‌ها ارتباط معناداری وجود ندارد. در ادامه تحلیل‌ها برای تعیین میزان تأثیرگذاری شاخص‌های کالبدی در مکانیت بناهای تاریخی، از آزمون AHP جهت اولویت‌بندی آن‌ها استفاده شد. برای این کار در گام اول به مقایسه زوجی شاخص‌ها پرداخته شد. بدین ترتیب که پس از ساخت مدل در برنامه Expert choice و رود ماتریس‌های مقایسات زوجی، وزن شاخص‌ها به دست آمد. شکل (۴)، اولویت‌بندی شاخص‌ها را از نظر افراد نمونه نشان می‌دهد. در این جدول شاخص مصالح با علامت x_1 ، عناصر محیطی x_2 ، شاخص رنگ x_3 ، شاخص فرم و تناسبات x_4 ، شاخص نورپردازی x_5 مشخص شده‌اند. شایان ذکر است دو شاخص فرم

میزان همبستگی میان شاخص‌های «مصالح» و «رنگ» برابر با 0.035 ؛ میان شاخص‌های «جنس» و «فرم» برابر با 0.031 ؛ میان شاخص‌های «مصالح» و «تناسبات» برابر با 0.035 ؛ میان شاخص‌های «مصالح» و «نورپردازی» برابر با 0.035 و میان شاخص‌های «مصالح» و «عناصر طبیعی» 0.031 و میان شاخص‌های «عنصر طبیعی» 0.035 به دست‌آمده است که به ترتیب دارای احتمال معناداری معادل با 0.470 ، 0.830 ، 0.542 و 0.470 می‌باشند. با عنایت به اینکه این مقادیر از 0.05 بالاتر می‌باشند، لذا فرض عدم پیوستگی میان کلیه شاخص‌ها رد می‌شود و ارتباطی میان آن‌ها برقرار نیست. در خصوص سایر شاخص‌ها نیز وضعیت بر همین منوال است و همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، ارتباط معناداری بین شاخص‌ها با یکدیگر وجود

و تناسبات به دلیل قربت معنایی و مفهوم آن در نظرسنجی در یک مؤلفه ادغام شد.



شکل ۴. خروجی نرمافزار Expert choice و اولویت‌بندی شاخص‌های کالبدی

بستر طرح هماهنگی با محیط اطراف بسیار ستوده‌اند. به لحاظ تناسبات نیز از نسبت کشیدگی طولی بیشتر به ارتفاع برخوردارند و این کشیدگی به امنیت، سایه‌اندازی و نوع نورگیری فضاهای داخلی دارای اهمیت است. در تحلیل یافته‌های آماری چنین می‌توان توضیح داد که روند نگرش به مکان در باغ فردوس از طریق اصالت بنا هویدا گشته است. این اصالت از طریق نحوه استقرار بنا متأثر از محیط اطراف، با ایجاد نمودی متفاوت از بنا دارای ارزش‌های باستان‌شناختی و ملی از بعد زیبایی‌شناسی قابل بررسی است. ضمن آنکه عناصر تزئینی این بنا که شامل گچبری‌ها، نقوش گیاهی، آینه‌کاری، نقاشی و ... می‌باشند؛ به این امر کمک شایانی کرده‌اند. زیرا جلوه‌های هنری و به‌طورکلی جلوه‌های ادراکی اثر عماری؛ از طریق عناصر شکل‌دهنده کالبدی و تزئینات بنا قابل دستیابی است. در باغ فردوس خوانایی به‌واسطه عناصر طبیعی و طرح چهارباغ محوطه ایجاد گشته است که به خوبی تصویری اولیه از کل بنا و ارزش‌های آن به مخاطب القاء می‌کند و با توجه به همین عناصر و همچنین بهره‌مندی از تزئینات و تنوع فرمی و وسعت فضایی، مدت‌زمان زیادی از ذهن مخاطب را به خود اختصاص می‌دهد. ضمن آنکه چشم‌انداز محدود به باغ و عدم برخورداری دید از درون به بیرون سایت با

همان‌طور که از شکل فوق پیداست، اصلی‌ترین مؤلفه عناصر کالبدی در نگرش مکان در دو بنای تاریخی مورد مطالعه عناصر طبیعی (گیاه و آب) (X2) است و این مؤلفه با داشتن بالاترین درصد، بیشترین تأثیر را نسبت به دیگر مؤلفه‌ها دارد. با وجود اینکه شاخص‌های کالبدی در بناهای منتخب عوامل معماری هستند، به یکدیگر وابسته‌اند و تمامی آن‌ها در کنار یکدیگر موجب مکانیت یک فضا و مکان می‌شوند به‌طوری‌که حذف یا عدم توجه به یکی از آن‌ها سبب مخدوش شدن نگرش مکان و هویت این بناها می‌شود؛ اما میان هیچ‌کدام از این شاخص‌ها رابطه معناداری وجود ندارد. در بررسی شاخص‌های کالبدی مورد سنجش در معماری بناهای تاریخی، بر اساس پاسخ صاحب‌نظران به پرسشنامه محقق ساخته با طیف لیکرت مشخص گردید که شاخص عناصر طبیعی (گیاه و آب) در دو بنای تاریخی منتخب شهر تهران دارای مطلوبیت ۸۰ درصد می‌باشند و این بناها به خوبی با محیط و ستر پیرامون خود هماهنگ هستند. با توجه به رنگ غالب بناهای تاریخی که قهوه‌ای و آجری است و فرم‌های تلفیقی و ترکیبی از مستطیل و مربع‌هایی با ابعاد مختلف و با زاویه چرخش گوناگون، پرسش‌شوندگان این نوع ترکیب‌بندی و رنگ‌بندی را جهت تأثیر مطلوبیت فضا و ایجاد آسایش بصری، همخوانی با زمینه و

تنوع و چندگانگی بالاخص در فرم‌ها و تریئنات بنا است و از این رو شناخت زمانی اتفاق می‌افتد که شخص قبلاً با این مکان آشنایی داشته باشد. بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان بیان نمود که در کاخ صاحبقرانیه به دلیل وجود فضاهای سبز، تناسبات، هماهنگی با بستر و بهره‌مندی از عناصر طبیعی محیطی، عوامل شکلی مکان و شاخصه‌های آن پدید آمده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

با عنایت به اهمیت مسئله مکان در بناهای تاریخی و حفظ مکان‌مندی آن‌ها در جوامع امروزی، تحقیق حاضر باهدف بازخوانی اصول نگرش مکان در بناهای تاریخی به شناسایی مؤلفه‌های کالبدی مؤثر در ادراکات حسی مخاطب در بناهای تاریخی می‌پردازد تا بتواند نگرش مکان را در ذهن مخاطب بازنمایی کند. یافته‌های حاصل از سنجش شاخص‌های موردمطالعه در دو بنای تاریخ کاخ صاحبقرانیه و باغ فردوس مشخص گردید که از میان شاخص‌های کالبدی شاخص عناصر طبیعی (گیاه و آب) بالاترین درصد را دارا می‌باشند. با وجود اینکه شاخص‌های کالبدی در بناهای منتخب عوامل عمارتی هستند، به یکدیگر وابسته‌اند و تمامی آن‌ها در کنار یکدیگر موجب مکانیت یک فضا و مکان می‌شوند، همچنین یافته‌های نشان می‌دهد میان هیچ کدام از این شاخص‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

لازم به ذکر است بناهای تاریخی شهر تهران به دلیل جذب گردشگر بالا در تمامی روزهای سال و مسائل اقتصادی - سیاسی، موردبازسازی قرار گرفته‌اند و به خوبی توسط سازمان‌ها حمایت می‌شوند. از این‌رو این بناها با توجه به عناصر زیست‌محیطی که در داخل خود بنا قرار گرفته است و نوع کاربری این فضاهای که اکثراً موزه می‌باشد و مکانی برای بهبود تعاملات اجتماعی و خاطره‌انگیزی است، لذا دارای ارزش والاتری در راستای نگرش به مکان و معنای نهفته در آن هستند. این بناها به‌طور کلی در هماهنگی با بستر و زمینه خود و همچنین ساختمان‌ها و کاربری‌های هم‌جوار خود بنashdehاند و تغییرات به وجود آمده طی گذر زمان نتوانسته است بر تأثیرگذاری این بناها در کالبد بناهای هم‌جوار تأثیر منفی بگذارد. از سوی دیگر از آنچه اصول نگرش به مکان در نخستین گام از طریق سیمای بنا که توسط مخاطب ادراک می‌شود، به وجود می‌آید، لذا چنانچه سیمای بنای نامناسب، نامعقول، بی‌ارتباط با محیط باشد، نمی‌توان انتظار داشت که تصویر ذهنی مناسبی را در مخاطبانش ایجاد نماید. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد در نگاه پدیدارشناسی مکان به بناهای موردمطالعه

توجه به کاشت درختان چنار بلند و برخورداری از چشم‌اندازهای عالی بیننده را فقط محصور در خود می‌کند. لازم به ذکر است که در این باغ به دلیل وجود فضاهای سبز، تناسبات، هماهنگی با بستر و بهره‌مندی از عناصر طبیعی و محیطی، عوامل شکلی مکان و شاخصه‌های آن پدید آمده‌اند. عوامل تجزیه‌ناپذیر مکان شامل عناصر، نشانه‌ها، کیفیت‌های بصری و ملاحظات زیبایی‌شناسی که بازگوکنندهٔ چیزی مکان است، در این بنا مشاهده می‌شود. بنابراین می‌توان بیان نمود که کلیه مؤلفه‌های مکانیت که به‌واسطه حضور در فضا و ارتباط با آن رخ می‌دهد، در باغ فردوس حضور دارند. چراکه هویت خاص این باغ به سبب ارتباط با فضای سبز اطراف، بستر طرح، استفاده از عناصر طبیعی در حیاط و پیرو آن ذهنیت مخاطبان و تمایل آنان به شناخت و ادراک حسی غنی از فضا و درک هماهنگی مجموعه با زمینه قرارگیری خود و کیفیت فعالیتها، اهمیت برگزاری رویدادهای فرهنگی و تعاملات اجتماعی در احساس تعلق و خلق تصاویر ذهنی از فضا نزد گردشگران و اجتماعی - فرهنگی بودن این مجموعه تاریخی، نمونه موربدرسی را به فضایی پویا و منحصربه‌فرد در راستای باز زنده سازی مؤلفه‌های مکان هستند، تبدیل می‌کند. حال در کاخ صاحبقرانیه که در هم‌جواری بناهای مسکونی و تجاری قرار گرفته است، خواهایی به دلیل عدم برخورداری این بنا از پیچیدگی فضایی رخداده است و به‌واسطه مؤلفه خوانایی بیننده شناخت و احاطه سریعی از بنا و محیط آن در دقایق اولیه بازدید به دست می‌آورد که این عمل در بدو ورود از طریق چیدمان گیاهی نمود یافته است. لذا خوانایی این بنا بیشتر به‌واسطه عناصر طبیعی و طرح چهارباغ محوطه بیرونی است که به خوبی تصویری اولیه از کل بنا و ارزش‌های آن به مخاطب القاء می‌کند و با توجه به همین عناصر و همچنین بهره‌مندی از تریئنات و تنوع فرمی و وسعت فضایی، مدت‌زمان زیادی از ذهن مخاطب را به خود اختصاص می‌دهد. در بدو ورود به کاخ صاحبقرانیه، مخاطب ابتدا با ورودی و سپس باعهای اطراف این کاخ روبرو می‌شود، سپس با قدم زدن در حیاط و در میان انبوه درختان، گیاهان حوض‌های آب و فواره‌های آن، به آرامش روحی و جسمی دست پیدا می‌کند؛ گویی تمامی خستگی خود را از تن خارج می‌کند و به استشمای هوا تازه می‌پردازد. سپس در گام بعدی پس از دریافت حسی از محیط حیاط به تمایش عناصر کالبدی و فرمی کاخ صاحبقرانیه واقع شده در انتهای این منظره می‌پردازد و آن را با ذهنیات قبلی اش از این بنا تحلیل می‌کند. ضمناً می‌بایست خاطرنشان نمود که در لحظه مشاهده عمارت کاخ صاحبقرانیه توسط مخاطب برای اولین بار، در ذهن او مکان نوینی کشف می‌شود؛ زیرا این کاخ سرشار از

جدول (۷) توانسته است در مکانمندی این بناها نقش آفرینی نماید.

مؤلفه‌های «معنامندی فضایی»، «بخشیدن روح به مکان از طریق مؤلفه‌های کالبدی»، «دریافت و ادراکات حسی»، «عجین شدن با خاطره» و «هویت از طریق عناصر کالبدی» مطابق

جدول ۷. مباحث نگرش مکان در کاخ صاحبقرانیه و باغ فردوس تهران

عناصر و مؤلفه‌های شاخص	توضیحات
معنامندی فضایی	تعاملات اجتماعی بیشتر با تغییر کاربری به موزه و هماهنگی با بستر پیرامون.
دربیافت و ادراکات حسی	استفاده از عناصر طبیعی و زیست محیطی (عنصر آب و گیاه) توانسته است به بخشیدن روح به مکان از طریق مؤلفه‌های کالبدی این مکان روح بخشد.
عجین شدن با خاطره	از طریق عناصر کالبدی و بالاخص عناصر طبیعی موجود در حیاط این بنا انجام می‌شود.
هویت از طریق عناصر کالبدی	دارا بودن هویت، مکانی برای تعاملات اجتماعی، بازگوکننده تاریخ و فرهنگ دوران قاجار از طریق فضامندی و عناصر کالبدی و تزئینات بسیار در محیط داخلی و خارجی عمارت این با کاخ صاحبقرانیه، بنایی استعاره‌ای است که به سبب استفاده از عناصر فرمی از جمله ستوری، ستون‌ها، نوع تزئینات گچبری و مقرنس کاری‌ها، پله‌ها و ابعاد فضایی خود به خوبی بیانگر هویت خود است. چراکه این گونه تزئینات در بنا از خصوصیات دوران قاجار و پهلوی بود؛ و باغ فردوس نیز به سبب استفاده از عناصر فرمی مختص یونان بالاخص ستوری، ستون‌ها، نوع تزئینات گچبری و مقرنس کاری‌ها، پله‌ها و ابعاد فضایی خود به خوبی بیانگر هویت خود در دوران قاجار است. عناصر طبیعی واقع در خود و همچنین پیرو فضاهای موجود و عناصر کالبدی توانسته است موجب برانگیختن خاطرات گذشته، حس هویت مکانی و تجربه عمیق در مخاطب شود...



تزئینات بسیار و فرم‌های یونانی

مؤلفه‌های ارزشمند نگرش مکان در کاخ صاحبقرانیه و باغ فردوس	رویدارهای تاریخی و تعاملات اجتماعی - فرهنگی.
هم‌جواری‌های ارزشمند	تعامل با محیط
تعامل با محیط	عناصر کالبدی و بصری

از این رو در راستای تبیین اصول نگرش به مکان و ادراک آن می‌توان بیان نمود که اصل هویتمندی از طریق عناصر کالبدی در بناها همچون هندسه، فرم و تناسبات، نور و تزئینات همراه با اصل پیکره و سیما به واسطه عناصر کالبدی (مصالح، ترکیبات رنگی و تناسبات) که موجب برانگیختن ادراکات مخاطبان این فضا شده‌اند، از مهم‌ترین اصول نگرش به مکان و مکانمندی بناهای تاریخی هستند که می‌توان با بازیابی این دو مهم‌مکانمندی بناها را بهبود بخشید. در پایان برای بررسی مکانمندی

لزوم توجه به اصل هویتمندی و ارزش‌های نهفته در بناهای تاریخی برای حفظ مکانمندی آن‌ها را می‌توان دریافته‌های مطالعات مشهدی (۱۴۰۱)؛ ابی زاده (۱۴۰۱)؛ نگین تاجی و همکاران (۱۳۹۶) و پورمند و فلاح (۱۳۹۲) نیز مشاهده نمود. لذا همسویی نتایج تحقیق حاضر با نتایج مطالعات پیشین می‌تواند مؤید این نکته باشد که اصول نگرش به مکان و ادراک آن در ارزش‌های نهفته در بناها بوده و مؤلفه‌های کالبدی می‌توانند تقویت‌کننده این ادراک باشند.

- تاریخی - فرهنگی با استناد به آراء اندیشمندان و اسناد جهانی. تاریخ و فرهنگ، (۱)، (۴۹)، ۳۶-۹.
- سخاوت‌دوست، نوشین و البرزی، فربیا (۱۳۹۸). بازتاب نقش نشانه‌شناسی در فرآیند گذر از فضا به مکان در مجموعه تاریخی سعدالسلطنه قزوین. *مطالعات شهری*، (۲۲)، ۶۶-۴۷.
- سلیمی، مینا، شریف‌زاده، محمدرضا و بنی‌اردلان، اسماعیل (۱۳۹۹). پدیدارشناسی مکان‌های مقدس با تکیه‌بر معماری ایرانی-اسلامی (نمونه موردنی: مسجد تاریخی شیخ لطف‌الله اصفهان). *عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)*، (۱۶)، (۶۳)، ۲۵۱-۲۶۷.
- شریفیان، محمدامین و طهوری، نیز، اعتصام، ایرج و ذیحی، حسین (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی پدیدارشناسی معماری در نظریات یوهانی پالاسما و استیون هال، کیمیای هنر، (۳۳)، ۸۰-۵۳.
- عزیزمقدم، محمدامین و هاشمی طغرالجردی، سیدمجید (۱۴۰۱). معماری به مثابه فرهنگ؛ تحلیلی بر کاراکتر زاویه بصری در تطبیق پذیری فرهنگ و معماری فضاهای بینایین. *جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، (۲)، (۴)، ۱۳۰-۱۵۴.
- علی‌الحسابی، مهران، رضازاده، راضیه و چربگو، نصیبیه (۱۳۹۶). ارائه مدل مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن (تحلیل پدیدارشناسانه تفسیری تجربیات زیسته افراد). *باغ نظر*، (۱۴)، (۵۲)، ۱۷-۲۶.
- مصطفی، فرهنگ، ندیمی، هادی و صالحی، ابوذر (۱۳۹۶). هستی‌شناسی مکان تاریخی (تأملی هستی‌شناسانه در مکان تاریخی در پرتو اصالت وجود). *پژوهش‌های معماری اسلامی*، (۲)، ۳۳-۲۰.
- نگین‌تاجی، صمد، انصاری، مجتبی و پورمند، حسنعلی (۱۳۹۶). تبیین نسبت رابطه انسان و مکان در فرآیند طراحی معماری با رویکرد پدیدارشناسی. *هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، (۴)، (۲۲)، ۸۰-۷۱.
- وحدت، سلمان، کریمی‌مشاور، مهرداد و بخشی بالکانلو، عادل (۱۳۹۶). تحلیل فضایی مکانی عوامل مؤثر در ایجاد معنای مکان از دیدگاه کاربران و شهرسازان. *نمونه موردنی: شهر ارومیه. آمایش جغرافیایی فضایی*، (۳)، (۲۶)، ۱۳۰-۱۴۴.

بناهای تاریخی در شهرهای مختلف پیشنهاد می‌شود پژوهشگران علاقه‌مند در این حوزه با تأکید بر بناهای بالرزش مؤلفه‌های مؤثر در مکان‌مندی را از بعد کالبدی، عملکردی، ادراکی نیز مورد بررسی قرار داده و به بازخوانی اصول نگرش مکان در بناهای جدید نیز پردازند. همچنین مسئولین و مدیران اجرایی با توجه به اصول نگرش مکان در بناهای تاریخی ضمن در دستور کار قرار دادن حفاظت‌های تاریخی و مرمت اینها در تقویت هویتمندی این بنها گام‌های مؤثری بردارند.

منابع

- ابی‌زاده، الناز (۱۴۰۱). ارزیابی سطوح حس مکان در بناهای تاریخی و تأثیر آن در ماندگاری آثار تاریخی - فرهنگی. *جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، (۴)، ۷۳-۸۴.
- پورمند، حسنعلی و فلاح، حسین (۱۳۹۲). پدیدارشناسی مکان بازخوانی هویت مکانی بافت تاریخی. *ماه هنر*، (۱۱)، ۶۱-۷۲.
- پیوسته‌گر، یعقوب و اکبری، زهرا (۱۴۰۰). بررسی تأثیر و ارتباط دل‌بستگی به مکان و هویت مکانی در افراد بومی و غیربومی در سه مقیاس: شهر، محله و خانه. *برنامه‌ریزی و توسعه محیط شهری*، (۱)، (۳)، ۴۵-۶۲.
- تابان، محسن، پورچفر، محمدرضا و پورمند، حسنعلی (۱۳۹۵). تابان، محسن، پورچفر، محمدرضا و پورمند، حسنعلی (۱۳۹۵). هویت مکان. رویکردی پدیدارشناسانه. *هویت شهر*، (۱۰)، ۷۹-۹۰.
- جیجانی، حمیدرضا و غفاریان، حریر (۱۳۹۸). مطالعه سیر تحول تاریخی و بازیابی طرح اصیل باغ صاحبقرانیه در نیاوران. *معماری و شهرسازی آرمان شهر*، (۱۲)، (۲۸)، ۲۱-۳۴.
- حبیب‌زاده کوزه‌کنانی، سیدجواد، عبدالله‌زاده طرف، اکبر، ستاری ساربانقلی، حسن و پاکدل فرد، محمدرضا (۱۴۰۱). تحلیلی بر عوامل تبیین‌کننده حس مکان در بافت‌های تاریخی (موردنی: شهر تبریز). *معماری و شهرسازی پایدار*، (۱۰)، (۲)، ۹۵-۱۰۶.
- رحیمی، محمدعلى و ایزدی‌زمان‌آبادی، سمانه (۱۴۰۱). تبیین رابطه مفاهیم حس امنیت بانوان و حس تعلق به مکان در بافت تاریخی شهری نمونه موردنی: (محله جو باره شهر اصفهان). *برنامه‌ریزی و توسعه محیط شهری*، (۸)، (۲)، ۷۵-۹۲.
- سامانیان، صمد، حجت، مهدی و محتشم، عادله (۱۳۹۶). واکاوی تاریخی و انتظام زمانمند ارزش‌ها در حفاظت و مرمت آثار

- Alalhesabi, Mehran. & Rezazadeh, Razieh, Charbgoo, Nasibeh.(2017). Presenting a Conceptual Model for Place Meaning and Continuity Indexes (Interpretative Phenomenological Analysis of Lived Experiences). *Bagh-e Nazar*, 14(52):17-26. [In Persian]
- Azizghadam, M.A, and Hashemi Togharjardi, S.M.(2023). Architecture as culture; An analysis of the character of the visual angle in the versatility of culture and architecture of the spaces in between. *Sociology of Culture and Art*, 4(2): 130-154. [In Persian]
- Habibzadeh kouzekonani, S.J; Abdollahzade Taraf, A. Sattari Sarbangholi, H. & Pakdel Fard, M.R.(2022). An Analysis of the Factors Explaining the Sense of Place in Historical Textures (Case Study: Tabriz). *Sustainable Architecture and Urban Design*, 10(2): 95-106, [In Persian]
- Jeyhani, H. Ghafarian, H. (2019). Study on the Historical Evolution and Authentic Layout of Sahebqeraniyeh Garden in Niavaran. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 12, (28): 21-34. [In Persian]
- Mashhadi, A. (2022). Explaining the Principles of Attitude to Place in the Ancient Historical Monuments of Damghan (A Study of the Tarikhaneh Mosque of Damghan). *Interdisciplinary Studies of Iranian Architecture*, 1(1): 31-41.[In Persian]
- Mozafar, F; Nadimi, H; Salehi, A.(2017). The Ontology of Historic Places: An Ontological Contemplation on Historic Places in the Light of the Doctrine of Principality of the Existence. *JRIA*, 5 (2):20-33. [In Persian]
- Negintaji, S. Ansari, M. & pourmand, H.(2018). Explanation of the relationship between human and place in architecture design process by a phenomenological approach. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 22(4):71-80, [In Persian]
- Newell, R. & Canessa, R. (2018). *From sense of place to visualization of place: examining people-place relationships for insight on developing geovisualizations*. *Heliyon*, 4(2) e00547
- Newell, R. & Canessa, R. (2018). *From sense of place to visualization of place: examining people-place relationships for insight on developing geovisualizations*. *Heliyon*, 4(2) e00547
- Peyvastehgar, Y. & akbari, Z.(2021). Investigating the effect and relationship between attachment to place and spatial identity in indigenous and non-indigenous people in three scales: city, neighborhood and home. *Urban Environmental Planning and Development* ,1(3):45-62, [In Persian]
- Pourmand, H; Fallah, H.(2012). Phenomenology of place, rereading the identity of place, historical context. *Mah -e- Honar* 181: 61-72. [In Persian]
- Rahimi, M & Izadi Zamanabadi, S.(2023). expressing the relationship of women's safety based on the sense of place attachment to urban historical texture. for instance: (Isfahan's jubareh neighborhood). *Urban Environmental Planning and Development*, 2(8): 75-92, [In Persian]
- Relph, E.(1976). *Place and placelessness*. London: Pion.
- Relph, E.(1976). *Place and placelessness*. London: Pion.
- Salimi, M, Sharifzadeh, M, and BaniArdalan, E. (2020). Phenomenology of holy places based on Iranian-Islamic architecture (case example: Sheikh Lotfollah historical mosque of Isfahan). *Islamic Mysticism (Religions and Mysticism)*, 16(63): 251-267. [In Persian]
- Samanian, S. Hujjat, M. & Mohtasham, A.(2017). Historical Exploration into and Chronological Order of Values in

- Preservation and Restoration of Historicoo-Cultural Monuments with Reliance on the Thinkers' Opinions and Universal Documents. *Journal of History and Culture*, 49(1): 9-36, [In Persian]
- Schultz, C. N. (2000). *Architecture: Presence, Language, Place*, Milan: Akira.
- Schultz, C. N. (2000). *Architecture: Presence, Language, Place*, Milan: Akira.
- Sekhavat doust, N. & Alborzi, F.(2019). Reflection of semiotics ideas in the process of moving from space to place in the historical Complex of Qazvin Saad-al-saltaneh. *Motaleate Shahri*, 32(8):47-64, [In Persian]
- Sharifian, M.A, Tahuri, N, Etisam, I, and Zabihi, H.(2018). A comparative study of architectural phenomenology in the theories of Johanni Pallasma and Steven Hall. *Alchemy of Art*, 8, (33): 63-80. [In Persian]
- Taban, M, Pourjafar, M, & Pourmand, H. (2012). Identity and Place; Phenomenological Approach. *Hoviatshahr*, 6(10): 79-90. [In Persian]
- Vahdat, S; Karimi Moshaver, M; Bakhshi Balkanlou, A. (2018). Factors contributing to this sense of place and urban planners from the user perspective (Case Study: Orumiyeh Revolution Square and the supreme leader). *Geographical Planning of Space*, 26(7):129-144. [In Persian]